

پیش‌خوان

نظام اسلامی و نحوه مواجهه با پرونده‌های امنیتی

صخر‌های سخت که توطئه‌ها را کنار زد

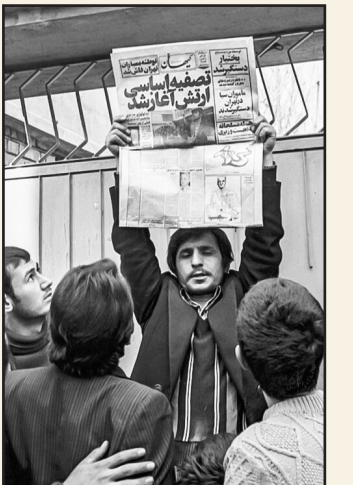
■ **محمد رضا کاتبینی**



اثری که هم اینک معرفی می کنیم، بررسی پرونده‌های امنیتی در آغازین سالیان تأسیس نظام اسلامی را بررسی کرده است. این پژوهش توسط انجام شده و مرکز

اسناد انقلاب اسلامی آن را منتشر ساخته است. مؤلف در دیباچه خویش بر این اثر در باب موضوع و محورهای آن چنین آورده است:

«حفاظت از انقلاب اسلامی از همان ساعات ابتدایی پس از تسخیر پادگان هاو پاسگاه‌ها در عصر ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، به دغدغه اصلی انقلابی‌ها تبدیل شد. انقلابی که سران کشورهای غربی که در گوادلوپ گرد هم آمده بودند، نمی توانستند تبعات آن را تحلیل کنند. سران حزب کمونیست شوروی نیز گرچه امید فرآوانی به حزب توده و چریک‌های فدایی خلق داشتند، اما سرویس های اطلاعاتی آنان این جمع‌بندی را که رهبر انقلاب اسلامی و مشاور ارشدش مرتضی مطهری مخالفی به سختی نه غربی با مارکسیست‌های حاکم بر مسکو دارد، به آنها اعلام کرده بود. از سوی دیگر سلطنت‌طلبان و افسران ارشد رژیم پهلوی در آماج سهمگین مردمی مضحل و سرگردان شده بودند. اما وجود شبکه‌های مسلح و میلیون‌ها دلاز پول شده بود تا انقلابیون آنها را دشمن بالقوه انقلاب تازه به ثمر رسیده بدانند. گروهک‌های چند ده نفره نیز در بندو پیروزی انقلاب، توانسته بودند با استفاده از خروش مردم و نابودی ساختار نظامی، به جذب نیروهای پاک‌اخسته و انبار کردن اسلحه اقدام کنند. گروه فرقان، شاخص‌ترین این گروه‌ها بود. نیروهای مذهبی که گردگرد امام خمینی جمع شده بودند، روی‌های عجمیی از برخورد با سازمان مجاهدین داشتند و حتی پیش از پرواز انقلاب در ۱۲ بهمن، مسئله حفاظت از امام‌خمینی مطرح شد. دو گروه



۲۳ بهمن ۱۳۵۷

انقلابیون در آغازین روزهای پس از پیروزی

چشم در چشم هم به خاطرات زندان اوین فکر می کردند. اعضای خط امام اجازه ندادند تا مجاهدین خلق گردآرد امام خمینی حلقه زند. استاد مطهری در تماس با پاریس به سیداحمد خمینی گفت اگر مجاهدین خلق باشند، ما نمیتیم در ادامه دغدغه نسبت به گسترش این سازمان، سبب انتراف گر روزه‌های هفت گانه‌ای شد که تقریباً تنها وشته اشکاشان، مخالفت و دشمنی با سازمان مجاهدین خلق بود. به هر روی انقلابیون در بندو پیروزی در ریافته بودند که نیازمند یک نیروی انتظامی برای برقراری نظم، یک گارد انقلاب برای بحران‌های منتقله‌ای و شهری و یک سازمان اطلاعات حداقلی برای تشبیه امور ضدجاسوسی و نگهداری و بازپایی اسناد به‌جا مانده از سلاواک هستند. اما تشتت فرآوانی انقلابیون که در آنها از ابراهیم یزدی تا محمد منتظری یافت می شد، سبب شد تا تشکیل و رانندازی همین نهادهای انقلابی ضروری، موجب بحران‌های بزرگی شوند. از سوی دیگر سرنوشته ارتش – که مهم‌ترین منبع مشروعیت رژیم گذشته بود– نیز به محل بحث و درگیری نیروهای مؤثر در انقلاب تبدیل شده و اتفاقاً چند روزی از پیروزی نگذشته بود که درگیری ارتش با تکر به‌طالبان در سندهج، به نشانه‌ای برای سخت بودن کار حفظ‌نظام تبدیل شد.

آنچه در اثر صخره سخت می خوانید، روایتی از نقش‌افزینان تأسیس گر نهادهای امنیتی در انقلاب اسلامی است. در این روایت‌ها تلاش شده است تا وجهه واقعی جدال‌های درونی بر سر ایجاد نهادهای نظامی و امنیتی نمایش داده شود. البته بحث پیرامون خدماتی که این نهاده‌ها به انقلاب یونیناد اسلامی کردند، در این مجال نمی‌گنجد که شهادی گلگون کفن این نهاده‌ا، خود نشانه خدمات‌انسان به امنیت و ثبات کشور است. همچنین در این کتاب گذری به سه درگیری‌های مهم پس از پیروزی انقلاب اسلامی داریم، اگر چه شرح این بحران‌ها، رشاد‌ها و فداکاری‌های جوانان انقلابی با پاسدار و ارتشی در پاسداشت تمامیت ارضی ایران اسلامی، نیازمند ده‌ها جلد کتاب است…»



«**آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی، به مثابه نماد بصیرت تاریخی**» در آینه روایت و تحلیل صاحب‌نظران

مرجعی که تا پایان حیات «جهاد تبیین» را فرو ننهاده

۱۰۰ سالگی آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی

■ **احمد رضا صدری**

روزهایی که بر ما گذشت، نشان از اولین سالگرد رحلت مرجع والاامام، زنده‌یاد آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی داشت. هم از این روی بی‌سوا صاحب‌نظران و در محافل گوناگون، به بررسی سیره علمی و عملی آن بزرگ پرداختند. مقال بی‌آمده به خوانش تحلیلی پاره‌ای از این دیدگاه‌ها پرداخته است. امید آنکه مفید آید.

■■■■

■ **اجرای شرع به طور کامل، دغدغه‌ا بود**

حجت‌الاسلام والمسلمین غلامحسین محمدی گلپایگانی، رئیس دفتر رهبر معظم انقلاب اسلامی، به دلیل تیار و مرادات خویش، با زنده‌یاد آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی ارتباطی نزدیک داشت. وی در باب خصال بارز در سیره آن مرجع فقید بر این باور است:

«پیام رهبر انقلاب در مورد این عالم ربانی و آنچه در مورد شخصیت وی بیان کردند، بیانگر بزرگی حضرت آیت‌الله صافی است. اولین ویژگی این عالم ربانی، تقوا و خداباوری بود. در واقع ایشان خود را همیشه در محضر خدا می دید. وی در سکوت و حرف‌زدن با همه وجود به خدا فکر می کرد. همچنین از دیگر ویژگی‌های ایشان، می‌توان به دغدغه اجرای شرع به طور کامل اشاره کرد. این عالم بزرگوار بسیار به روز و با وجود اینکه در حاشیه بود، اما در متن اصلی قرار داشت. در عین حال که مرجع و دانشمند بود، اما هیچ‌گاه قلمش از کتاب نمی‌افتاد و محافظه‌کار نبود و اگر خطایی می دید، فوراً دست به قلم می شد و تذکر می داد. از طرفی دیگر، برای اهل بیت(ع) و به ویژه حضرت فاطمه‌الزهر(س) و امام حسین (ع) به تمام صورت اشک می ریخت و از خود بی خود بود…»

■ **پاسخگویی به ۱۸۰ شبهه بهائیت، در ۹۶ سالگی**

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی نویسنده‌ای زبر دست

حجت‌الاسلام محمد حسن صافی:

«**آیت‌الله صافی گلپایگانی در سنین نزدیک به ۱۰۰ سالگی نیز همچنان پاسخگوی شبهات بود. اسلام با تبلیغ جلو رفته است و بدون آن نمی توان دین را اقامه کرد و امروز جهاد تبیین مدنظر رهبر معظم انقلاب، به وسیله وسایل ار تباطی محقق می شود. رهبری آیت‌الله صافی را به نیکی معرفی کردند که از مشورت‌های ایشان استفاده و بهره می برده‌اند. آیت‌الله صافی هم همیشه در صحنه حاضر بود و بیشن سیاسی قوی داشت …**»

تاریخ

تاریخ: ۸۸۴۹۸۴۲۷

۸ دهه
۸۰ مسجدها عظیم قم

آیت‌الله العظمی لطف‌الله صافی گلپایگانی در یکی از مجالس قائم



دکتر موسی نجفی: «اگر تلاش‌های آیت‌الله صافی گلپایگانی و دیگر علما نبود، نظام اسلامی در دهه اول حیات خود همچنان در دست مارکسیست‌زده‌ها و لیبرال‌زده‌ها می‌مانسد در آن دوره مفهوم انقلابی‌گری را جناح چپ تعیین می‌کرد؛ بصیرت ایشان ناشی از یک تجربه تاریخی، از دوره مشروطه بدین سسو بود. پدر آیت‌الله هم در مشروطه و بیداری اسلامی اصفهان، نقش داشته است. ایشان برای من نقل کرد: یکی از رجال مشروطه که سر میز قمار کشته شد و از دنیا رفت و این حرف در هیچ سند تاریخی نیست! آیت‌الله صافی از آن داشت که به حضرت آیت‌الله العظمی خمینی، امام‌گویید ارادت ویژه‌ای به ایشان داشت و این مهم در کنار ارادت وی به اهل بیت(ع) و حریم امامت و تشیع، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند…»

■ **او ادامه اندیشه و عمل آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری بود**

مرجع فقید شیعه در تحلیل وقایع رویداد مشروطیت، به مشروعه خواهان و شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری نزدیک بود و این را نیز مکرراً برآز می‌داشت. بخشی از این آشنایی از آن جهت روی داد که پدرش آیت‌الله آخوند ملا محمدجواد صافی گلپایگانی، در زمره دوستان و صاحبان سر شیخ شهید به شمار می‌رفت. ازبایی حجت‌الاسلام محمدصادق ابوالحسنی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران از این مسئله، به ترتیب بی آمده است:

«حضرت آیت‌الله صافی از نظر زیست‌نامه تاریخی، اینه تمام‌نمای تاریخ روحانیت در ۱۰۰ سال اخیر بود. تجربه در ک ادوار گوناگون تاریخی (از اواخر قاجاریه و دوران پهلوی تا تحولات چهار دهه در عصر جمهوری اسلامی) و شرایط ممتاز خانوادگی،

به ایشان بیشن تاریخی ویژه‌ای می‌بخشید. وی از یک‌سو، میراث‌دار بیوت علمی بزرگی همچون آیت‌الله آخوند ملامحمدجواد صافی گلپایگانی، آیت‌الله العظمی حاج‌اقاحسین بروجردی و آیت‌الله العظمی محمدضا گلپایگانی به شمار می‌رفت و از سوی دیگر، تجربه تاریخی مجسم حوزه‌های علمیه تشیعه از عصر پسامشروطه، دوران پهلوی و عصر انقلاب اسلامی بود، بنابراین مرجعی بود که یک شخصیت استثنایی، جامع و تکرارناشدنی بود و در یک کلام عصاره حوزه به شمار می‌رفت. آن مرحوم، حرکت کلان خود را در مسیر بهره‌گیری و راپورز کردن تجربیات تاریخی علمای شیعه و دفاع از دستاوردهای تاریخی و تمدنی حوزه‌های علمیه می‌دید. آیت‌الله صافی در اثر مطالعات عمیق تاریخی و همچنین تحت تأثیر پدر پزگوارش آخوند ملامحمدجواد صافی، ارادت ویژه‌ای به آیت‌الله شهید حاج شیخ فضل‌الله نوری داشت و پیوسته از چهره‌های بارز تحریف را می‌زدود و از هر اقدامی که در راستای احیای شخصیت آن بزرگمرد صورت می گرفت، حمایت می‌کرد. بر این اساس، جریان مشروعه‌خواهی را در نهضت مشروطه، اصل‌تر می‌دانست و خود ایشان نیز به نوعی ادامه شیخ فضل‌الله نوری محسوب می‌شد. پدر ایشان خاطرات گرانسنگی از روزهای آخر عمر شیخ شهید و ماجرای اعدام مظلومانه ایشان در تهران داشت و ماجراهای تاریخی جالبی درباره آیت‌الله آقا نجفی اصفهانی و فرجام‌عبرت‌انگیز نهضت مشروطه نقل می‌کرد. دلسوزی و حمایت آیت‌الله‌العظمی صافی از جامعه تاریخ‌نگاران اسلام‌گرا و هویت‌اندیش، ضرب‌المثل بود و به عنوان نمونه فراموش نمی‌کنم که در ارتحال پدرم استاد علی ابوالحسنی (مئذرت)، چه پیام پرمحتوایی صادر کرد و علاوه بر اقامه نماز بر پیگر ایشان، به خانواده‌ما می فرمود: باشدین خیر ارتحال مرحوم ابوالحسنی، اشک از چشم‌ام جاری شد و بسیاری متأسف شدم که چنین شخصیت ارزشمندی از دست رفت. ضمناً به بنده سفارش کردند که باید این راه را ادامه دهم و آثار منتشرش شده استاد ابوالحسنی را تکمیل و منتشر کنم…»

حضرت آیت‌الله صافی بین مراجع تقلید، بیشترین اشرف را به جریان‌های تاریخ‌نگاری دارد. معمولاً مراجع ما یا اهل تدوین آثار تاریخی نبودند یا اگر بودند، به تاریخ صدر اسلام، عاشورا پژوهی و سیره ائمه(ع) می پرداختند. برای ارائه نمونه در تاریخ اسلام، کتاب فروغ ابدیت آیت‌الله سبحانی یا التاریخ الاسلامی، دروس و عبرت از آیت‌الله محمدتقی مدرسسی قابل ذکر است. همچنین کتاب فاجعه عاشورا از آیت‌الله سیدسعید حکیم یا کتاب مقتل‌الحسین آیت‌الله محمدحسین آل کاشف‌الغطا، عاشورا پژوهی تفصیلی و اجمالی بین مراجع را نشان می‌دهد، اما حضرت آیت‌الله صافی هم اثری در خصوص تاریخ اسلام به رشته تحریر در آورد، مانند جابر بن حیان، رمضان در

صافی، خیلی فضاسازی می کردند. این مرجع فقید در همان زمان نقد می‌کرد که چرا برخی علما را از دایره انقلابیون خارج کردند و حتی گله این امر را به حضرت امام رسانده بود. همه هویت این کشور انقلاب شده بود و تأکید داشتند همه مراجع باید انقلابی باشند و مفهوم انقلابی را نیز جناح چپ تعیین می‌کرد. در چنین فضایی شاهد قضیه‌ای هستیم که به مرور انقلاب هویتی شد نه اینکه هویت انقلابی باشد. سیر از هویت انقلابی به انقلاب هویتی، در حال حاضر هم در حال رخ دادن است و این امر ساده‌ای نیست و باید بدان توجه کرد. اگر تلاش‌های حضرت آیت‌الله صافی و دیگر علما نبود، انقلاب همچنان دست مارکسیست زده‌ها و لیبرال زده‌ها می‌ماند. علت اینکه امام خمینی در سال ۴۲ توفیقی تمام متدینین را با خود یکی کنند و ۱۵ سال این فرآیند طول کشید و سال ۵۷ توانست اثبات کنند که شاه یزید است. حضرت آیت‌الله صافی هم در همراه کردن افکار عمومی متدینین با امام خمینی، بسیار نقش داشت و این ویژگی یک فرد انقلابی است. پدر حضرت آیت‌الله صافی هم در مشروطه و بیداری اسلامی اصفهان نقش داشته است و به همین وسیله، سنخیتی با انقلاب اسلامی داشت و از همانجا تا آخر، با‌ی امام خمینی و انقلاب اسلامی ایستاد. مرحوم حضرت آیت‌الله صافی برای من نقل کرد: یکی از رجال مشروطه که امروز به نام شهید شناخته می‌شود، سر میز قمار کشته شد و از دنیا رفت و این حرف در هیچ سند تاریخی نیست! آیت‌الله صافی از آن داشت که به حضرت آیت‌الله العظمی خمینی، امام‌گویید ارادت ویژه‌ای به ایشان داشت و این مهم در کنار ارادت وی به اهل بیت(ع) و حریم امامت و تشیع، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند…»

■ **او ادامه اندیشه و عمل آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری بود**

مرجع فقید شیعه در تحلیل وقایع رویداد مشروطیت، به مشروعه خواهان و شهید آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری نزدیک بود و این را نیز مکرراً برآز می‌داشت. بخشی از این آشنایی از آن جهت روی داد که پدرش آیت‌الله آخوند ملا محمدجواد صافی گلپایگانی، در زمره دوستان و صاحبان سر شیخ شهید به شمار می‌رفت. ازبایی حجت‌الاسلام محمدصادق ابوالحسنی پژوهشگر تاریخ معاصر ایران از این مسئله، به ترتیب بی آمده است:

«حضرت آیت‌الله صافی از نظر زیست‌نامه تاریخی، اینه تمام‌نمای تاریخ روحانیت در ۱۰۰ سال اخیر بود. تجربه در ک ادوار گوناگون تاریخی (از اواخر قاجاریه و دوران پهلوی تا تحولات چهار دهه در عصر جمهوری اسلامی) و شرایط ممتاز خانوادگی، به ایشان بیشن تاریخی ویژه‌ای می‌بخشید. وی از یک‌سو، میراث‌دار بیوت علمی بزرگی همچون آیت‌الله آخوند ملامحمدجواد صافی گلپایگانی، آیت‌الله العظمی حاج‌اقاحسین بروجردی و آیت‌الله العظمی محمدضا گلپایگانی به شمار می‌رفت و از سوی دیگر، تجربه تاریخی مجسم حوزه‌های علمیه تشیعه از عصر پسامشروطه، دوران پهلوی و عصر انقلاب اسلامی بود، بنابراین مرجعی بود که یک شخصیت استثنایی، جامع و تکرارناشدنی بود و در یک کلام عصاره حوزه به شمار می‌رفت. آن مرحوم، حرکت کلان خود را در مسیر بهره‌گیری و راپورز کن تجربیات تاریخی علمای شیعه و دفاع از دستاوردهای تاریخی و تمدنی حوزه‌های علمیه می‌دید. آیت‌الله صافی در اثر مطالعات عمیق تاریخی و همچنین تحت تأثیر پدر پزگوارش آخوند ملامحمدجواد صافی، ارادت ویژه‌ای به آیت‌الله شهید حاج شیخ فضل‌الله نوری داشت و پیوسته از چهره‌های بارز تحریف را می‌زدود و از هر اقدامی که در راستای احیای شخصیت آن بزرگمرد صورت می گرفت، حمایت می‌کرد. بر این اساس، جریان مشروعه‌خواهی را در نهضت مشروطه، اصل‌تر می‌دانست و خود ایشان نیز به نوعی ادامه شیخ فضل‌الله نوری محسوب می‌شد. پدر ایشان خاطرات گرانسنگی از روزهای آخر عمر شیخ شهید و ماجرای اعدام مظلومانه ایشان در تهران داشت و ماجراهای تاریخی جالبی درباره آیت‌الله آقا نجفی اصفهانی و فرجام‌عبرت‌انگیز نهضت مشروطه نقل می‌کرد. دلسوزی و حمایت آیت‌الله‌العظمی صافی از جامعه تاریخ‌نگاران اسلام‌گرا و هویت‌اندیش، ضرب‌المثل بود و به عنوان نمونه فراموش نمی‌کنم که در ارتحال پدرم استاد علی ابوالحسنی (مئذرت)، چه پیام پرمحتوایی صادر کرد و علاوه بر اقامه نماز بر پیگر ایشان، به خانواده‌ما می فرمود: باشدین خیر ارتحال مرحوم ابوالحسنی، اشک از چشم‌ام جاری شد و بسیاری متأسف شدم که چنین شخصیت ارزشمندی از دست رفت. ضمناً به بنده سفارش کردند که باید این راه را ادامه دهم و آثار منتشرش شده استاد ابوالحسنی را تکمیل و منتشر کنم…»

حضرت آیت‌الله صافی بین مراجع تقلید، بیشترین اشرف را به جریان‌های تاریخ‌نگاری دارد. معمولاً مراجع ما یا اهل تدوین آثار تاریخی نبودند یا اگر بودند، به تاریخ صدر اسلام، عاشورا پژوهی و سیره ائمه(ع) می پرداختند. برای ارائه نمونه در تاریخ اسلام، کتاب فروغ ابدیت آیت‌الله سبحانی یا التاریخ الاسلامی، دروس و عبرت از آیت‌الله محمدتقی مدرسسی قابل ذکر است. همچنین کتاب فاجعه عاشورا از آیت‌الله سیدسعید حکیم یا کتاب مقتل‌الحسین آیت‌الله محمدحسین آل کاشف‌الغطا، عاشورا پژوهی تفصیلی و اجمالی بین مراجع را نشان می‌دهد، اما حضرت آیت‌الله صافی هم اثری در خصوص تاریخ اسلام به رشته تحریر در آورد، مانند جابر بن حیان، رمضان در

۸ دهه
۷۰ قم

دیدار رهبر معظم انقلاب اسلامی با آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی



تاریخ، تفنید آکذوبه خطبه‌الامام‌علی‌الزهر‌ا و پیرامون روز تاریخی غدیر و هم به تاریخ و عقاید سایر ادیان و مذاهب می‌پرداخت، مثل مقاله‌ای که درباره زندگی بوداسف نگاشتند و به انتقاد از خرافات بودائیان و برخی تحلیل‌های دکتر عبدالحسین زرین کوب اقدام ورزیدند. علاوه بر این در باب عاشورا پژوهی، آثار ایشان به ویژه کتاب شهید آگاه (در نقد کتاب شهید جاوید) شهرتی شایان دارد…»

■ **پیشنان در حفظ میراث مکتوب شیعه**

حفظ و انتشار موراث علمی شیعه، همواره مورد توجه آیت‌الله‌العظمی صافی قرار داشت. به گونه‌ای که گاه برای تهیه اصل یا تصویر روشنی از آنها، مبالغی گزاف هزینه می‌کرد. علاوه بر این بسیاری از طلاب پژوهشگر را شخصاً مورد تشویق قرار می‌داد و آنها را به ادامه این راه تشویق می‌کرد. حجت‌الاسلام والمسلمین رضا مختاری ریاست مؤسسه کنایشناسی شیعه در این موضوع خاطراتی شنیدنی دارد:

«حضرت آیت‌الله صافی در زندگینامه خود نوشت، خود در جملاتی طولانی از پدر خود یاد کرده و صفات ایشان را بیان می‌کند. مثال‌هایی مانند: آگاهی به اوضاع اجتماعی اسلام، مخالفت سرسخت با تجزیه اسلام و درگیری مذاهب، تلاش بی‌وقفه و بی‌امان در راه تحقق اهداف اسلام از نکات مورد اشاره ایشان است. آیت‌الله صافی قبل از طلبگی، با علمای بزرگی مانند آیت‌الله حائری رفت و آمد داشت و در طلبگی نیز پس از استفاده از علمای نجف و با حضور در قم، ۱۵ سال از محضر آیت‌الله بروجردی استفاده کرد و حسرت می‌خورد که چرا آن ۱۵ سال را به طور کامل مکتوب نکرده و بخشی از خاطرات خود با آیت‌الله بروجردی را از یاد برده است. آیت‌الله صافی خدماتی بزرگ، که میراث مکتوب شیعه داشت و ارادت وی به شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز از این جهت است. آیت‌الله صافی در راه حفظ و نشر میراث شیعه، قدم‌های بزرگی برداشت. آن مرحوم متوجه شد در یکی از کتاب خانه‌های بزرگ هندوستان در شهر لکنو، نسخه‌های خطی ارزشمندی وجود دارد. آیت‌الله صافی پیش‌قدم شد تا این نسخه خریداری شود و ۱۲ سال میلیون‌ها تومان هزینه کرد و تصویر نسخه‌های خطی کتابخانه ممتاز‌العلما را خریداری کرد که در میان آن اثنار، نامه‌هایی از میرحامد حسین هندی، سلطان‌العلما، صاحب جواهر و… هم وجود داشت. یک دلال نسخه‌های خطی، گنجینه‌ای از نسخه‌های زیادی داشت و قصد داشت آن را به اروپا منتقل کند، همانگونه که بسیاری از کتب دست اول شیعه و نسخه‌های معتبر آن در اختیار ما نیست. مسا به حضرت آیت‌الله صافی گفتم این نسخه‌ها به میراث علمی تشیع کمک می‌کند و از این رو، این نسخ با پول وی خریداری شد. همایشی برای آقا بزرگ تهرانی گرفتیم که آیت‌الله صافی با آن کوهلت سن نشرکت کردند، زیرا به میراث تشیع بسیار احترام می‌گذاشتند. هرگاه تقاضای ملاقات علمی داشتیم، قبول و کتب لازم را تهیه می‌کرد و به ما نشان می‌داد تا پاسخ‌خود را بگیریم. طلاب و فضلا را همیشه تشویق می‌کرد و بسیاری از اوقات خود وی تماس می گرفت و به طلبه‌ای که کار خوبی انجام می‌داد، تبریک می‌گفت و مورد تشویق قرار می‌داد…»

■ **همواره پیگیر رفاه عمومی و معیشت مردم بود**

حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالهادی سیستانی، عضو شورای استفا دفتر آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی است. وی بر این باور است که آن مرجع فقید در کنار دغدغه‌های علمی و فرهنگی، همواره پیگیر رفاه عمومی و معیشت مردم بود و هرگز آن را فراموش نگفت:

«تگوش به یک شخصیت علمی، به دقایق علمی احتیاج دار و باید با موشکافی‌های عالمانه آن آیت‌الله صافی کرد. بنده در نجف با مرحوم حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی آشنا شدم و وقت کم نبود و سعی می‌کرد اخبار یافته‌ها را داشته باشد تا بتواند ورود کند و اگر نقد لازم است، نقد کند. پیگیری آرا و نظریات علمی دنیا نهاد مسئولی ندارد، اما نظر ایشان به آیت‌الله صافی یک تهنه وار، این عرصه می‌شد. اطلاع گرفتن، اظهارنظر کردن و به دفاع و نقد پرداختن، عرصه گسترده و وسیعی بود که وقت زیادی از آیت‌الله صافی می‌گرفت و خصوصاً در دوران مرجعیت، وقت کم می‌آوردند! تبدیل کلام قس‌آن به زبان روز، یکی دیگر از ابتکارات آن مرحوم است که در این جهت اهتمام زیادی داشت. اگر کسی تفصیر نامه‌جایی از قرآن داشت، حضرت آیت‌الله صافی شجاعانه وارد می‌شد و همچنین اگر خدمتی به قرآن می‌شد، پشتیبانی می‌کرد. حراست از ناموس قرآن، بخش زیادی از وقت وی را بر می‌کرد. این مرجع تقلید، تعمق در مسائل فلسفی و عرفانی خالی از انحراف نمی‌دید. قابل قبول نیست که اندیشه‌های عرفانی و فلسفی، هم عرض معارف اهل‌بیت(ع) دانسته شود، اما عقل و عقلانیت مورد پذیرش دین است و بدون آن نمی‌توان ادیان را پذیرفت. حضرت آیت‌الله صافی در مسائل سیاسی، تحولات ایران و جهان را بررسی می‌کرد و مواضع قاطعی داشت. وی همیشه پیگیر وضعیت رفاه عمومی و معیشت مسلمان کشور و خورشودمان بود و حتی اگر قرار بود قانونی تصویب شود که ایرادی در نظر وی داشت، فوراً به مسئول مربوطه تذکر می‌داد…»